

Typology of Sunni Approaches to the Birth and Absence of Imam Mahdi (AS) with Emphasis on Criticizing the Approach of Opponents of the Birth and Occultation

Mohammad Mohsen Morawweji Tabasi¹

(Received on: 2021-12-14; Accepted on: 2022-04-11)

Abstract

The application of the narrations of Mahdism to Imam Mahdi (AS), the son of Imam Hasan Askari, which is referred to as personal Mahdism, is one of the controversial beliefs between Islamic denominations, especially Shia and Sunni. Some of the Sunnis, mainly the Wahhabis, by highlighting its sectarian aspect, have made great efforts in denying personal Mahdism historically, attributing this denial to all Sunnis, assigning the belief of personal Mahdism to Shia, and proving superstition in Shiism. This is despite the fact that the Sunnis have different approaches to the historical aspect of personal Mahdism i.e. the birth and occultation of the Imam, which are sometimes close to Imamiyya's approach. Using a descriptive, analytical, and critical method, this article seeks to collect and classify Sunni approaches to the historical aspect of personal Mahdism including the birth and absence of Imam Mahdi (AS). Then, it criticizes the approach of the opponents based on Sunni principles. The findings show that Sunni approaches to the historical issue of birth and occultation fall into four categories: "the approach of minimum supporters", "the approach of maximum trans-sectarian and sectarian supporters", "the approach of minimum opponents" and "the approach of maximum opponents". This typology, in addition to drawing a comprehensive picture of the Sunni intellectual system, can provide a suitable basis for changing personal Mahdism from a sectarian belief to an Islamic belief and criticize the approach of the opponents of the historical aspect of personal Mahdism based on Sunni principles and internal criticism.

Keywords: Personal Mahdism, Supporters of Personal Mahdism, Opponents of Personal Mahdism.

1. Graduate from the Seminary and PhD Holder in Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.tabasi110@yahoo.com.

گونه‌شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت

محمد محسن مروجی طبسی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲]

چکیده

تطبیق روایات مهدویت بر حضرت مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری که از آن به «مهدویت شخصی» یاد می‌شود، از جمله باورهای بحث‌برانگیز بین مذاهب اسلامی، به ویژه شیعه و اهل سنت نشان داده شده است. برخی از اهل سنت، به ویژه وهابیان، با برجسته کردن جنبه مذهبی آن، تلاش گسترده‌ای در انکار تاریخی مهدویت شخصی و نسبت دادن این انکار، به تمامی اهل سنت و اختصاص عقیده مهدویت شخصی به شیعه و در نتیجه خرافه‌گرایی شیعه انجام داده‌اند. در حالی که اهل سنت، نسبت به جنبه تاریخی مهدویت شخصی، یعنی «ولادت»، و «غیبت» آن حضرت، رویکردهای متفاوت و گاه نزدیک به شیعه امامیه دارند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و انتقادی می‌کوشد رویکردهای اهل سنت به جنبه تاریخی مسئله مهدویت شخصی را که مشتمل بر «ولادت» و «غیبت» امام زمان (ع) است، گردآوری و طبقه‌بندی کند و از این رهگذر رویکرد مخالفان را بر اساس مبانی اهل سنت نقد کند. نتایج بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد «گونه‌شناسی» رویکردهای اهل سنت در مسئله تاریخی ولادت و غیبت، در چهار دسته «رویکرد موافقان حداقلی»، «رویکرد موافقان حداکثری فرامذهبی و مذهبی»، «رویکرد مخالفان حداقلی» و «رویکرد مخالفان حداکثری» انجام می‌شود. این گونه‌شناسی می‌تواند ضمن ترسیم تصویری جامع از منظومه فکری اهل سنت در این باره، زمینه مناسبی برای تغییر مهدویت شخصی از باور مذهبی و تبدیل آن به باور اسلامی و نقد رویکرد مخالفان جنبه تاریخی مهدویت شخصی بر اساس مبانی اهل سنت و نقد از درون فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: مهدویت شخصی، موافقان مهدویت شخصی، مخالفان مهدویت شخصی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.tabasi110@yahoo.com

طرح مسئله

مسئله «مهدویت شخصی» و تطبیق روایات مهدویت بر حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع)، از لحاظ علمی، از دو جنبه حدیثی و تاریخی سزاوار بررسی است که متأسفانه تحت تأثیر مباحث مذهبی بین شیعه و اهل سنت قرار گرفته، و از مسیر علمی خود منحرف شده است. وهابیان با نگاشتن کتاب‌هایی مانند مهدی موهوم، سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد، گفت‌وگویی آرام و دوستانه، از اختلاف مذهبی بین شیعه و سنی در مسئله مهدویت شخصی، نهایت سوءاستفاده را کرده‌اند. آنها با تحریف رویکرد اهل سنت، و انتساب دیدگاه انکار ولادت حضرت به اجماع اهل سنت، به نقد جنبه تاریخی مهدویت شخصی و انکار ولادت حضرت مهدی (ع) و شبهه پراکنی گسترده علیه عقیده غیبت و متهم کردن شیعه به خرافه‌گرایی روی آورده‌اند. حال آنکه با مراجعه به اقوال اهل سنت چنین به دست می‌آید که اولاً بسیاری از مخالفان مهدویت شخصی، تحت تأثیر مباحث مذهبی و نه علمی، به مخالفت برخاسته‌اند، وگرنه رویکردشان به جنبه تاریخی مهدویت شخصی، و پذیرش ولادت و حتی غیبت، فی الجمله مثبت است. ثانیاً رویکرد موافقان مهدویت شخصی کاملاً نادیده گرفته شده است. از این رو ضروری است رویکرد اهل سنت به جنبه تاریخی مهدویت شخصی و فارغ از جنجال‌های مذهبی، موضوع‌بندی و تحلیل شود تا تصویری روشن از گروه‌های فکری و رویکردهای اهل سنت راجع به مسئله ولادت و غیبت حضرت مهدی به دست آید و از این رهگذر نیز بتوان رویکرد مخالفان جنبه تاریخی مهدویت شخصی را بررسی و نقد کرد.

با توجه به کارهای انجام شده بسیار درباره جنبه حدیثی مهدویت شخصی، این مقاله بر جنبه تاریخی مهدویت شخصی تأکید دارد. نگارنده معتقد است اگر رویکرد اهل سنت به مسئله ولادت و غیبت حضرت مهدی به درستی تبیین شود اختلاف نظر بین اهل سنت و شیعه در مسئله مهدویت شخصی، به دور از جنجال‌های مذهبی در مسیر علمی اش

قرار می‌گیرد. از این‌رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که: «گونه‌های رویکرد اهل سنت راجع به جنبه تاریخی مهدویت شخصی، یعنی ولادت و غیبت حضرت مهدی (ع)، چگونه است؟». این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و انتقادی، به دسته‌بندی و تبیین دیدگاه‌ها و رویکردهای اهل سنت راجع به جنبه تاریخی مهدویت شخصی در چهار دسته اصلی «رویکرد موافقان حداقلی»، «رویکرد موافقان حداکثری فرامذهبی و مذهبی»، «رویکرد مخالفان حداقلی»، «رویکرد مخالفان حداکثری» و بررسی و نقد رویکرد مخالفان حداقلی و حداکثری می‌پردازد.

در زمینه دیدگاه اهل سنت راجع به مهدویت، و نقد شبهات مهدویت پژوهش‌های گوناگون با رویکرد حدیثی و کلامی انجام شده است (نک: فقیه ایمانی، ۱۴۱۸؛ حسینی جلالی، ۱۴۱۳: ۷-۷۶؛ پوربیدخشان، ۱۳۸۸: ۱۳-۵۱؛ شاکری زوردهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵-۵۰؛ شاکری زوردهی و دوست محمدی، ۱۳۹۸: ۵۱-۷۲)؛ ضمن پاس داشت زحمات یادشده، اما تاکنون در هیچ یک از پژوهش‌های انجام‌شده، دیدگاه اهل سنت راجع به جنبه تاریخی مهدویت شخصی با تأکید بر ولادت و غیبت حضرت مهدی (ع)، گونه‌شناسی و براساس آن، تحلیل، بررسی و نقد نشده است. نوآوری این مقاله پرداختن به مسئله یادشده است. از این‌رو، رسالت اصلی این مقاله گونه‌شناسی رویکردهای اهل سنت به مسئله تاریخی مهدویت شخصی با تأکید بر ولادت و غیبت حضرت مهدی، دسته‌بندی و تحلیل شده است تا ضمن ترسیم تصویری روشن از رویکردهای گوناگون اهل سنت، رویکرد مخالفان مسئله ولادت و غیبت، غیرمستقیم و مستقیم، بررسی و نقد شود.

مهدویت شخصی به معنای اعتقاد به وجود امام مهدی (ع) و تطبیق روایات مهدویت بر آن حضرت، با دو تقریر حدیثی و تاریخی تبیین‌پذیر است. تقریر حدیثی عبارت است از: ویژگی‌های حضرت مهدی (ع) در احادیث نبوی مانند «یواطئ اسمه اسمی» و تطبیق آن بر

حضرت مهدی (ع). تقریر تاریخی عبارت است از اثبات ولادت و زنده بودن حضرت مهدی (ع). در این مقاله با تأکید بر اثبات ولادت و زنده بودن حضرت مهدی (ع) از نگاه اهل سنت، تقریر تاریخی مهدویت شخصی دنبال می شود. با توجه به مطلب یاد شده، رویکرد اهل سنت به جنبه تاریخی مهدویت شخصی، یعنی ولادت و زنده بودن حضرت مهدی (ع)، یکسان نیست و گونه های متفاوتی دارد. گروهی از اهل سنت، با اشاره تلویحی به ولادت حضرت مهدی (ع)، درباره زنده بودن آن حضرت و مهدویت شخصی سکوت کرده اند که از این رویکرد به «موافقان حداقلی» مهدویت شخصی یاد می شود. جمعی دیگر از اهل سنت، با تصریح به ولادت و زنده بودن آن حضرت، مهدویت شخصی را فارغ از جنبه مذهبی اش پذیرفته اند که از این رویکرد به «موافقان حداکثری فرامذهبی» مهدویت شخصی یاد می شود. اما گروهی دیگر از اهل سنت، با اینکه به ولادت و زنده بودن آن حضرت تصریح کرده اند، اما بدون ذکر دلیل علمی، و تحت تأثیر مباحث مذهبی، به باور شیعیان درباره مهدویت شخصی واکنش منفی نشان داده اند، که از این رویکرد به «موافقان حداکثری مذهبی» مهدویت شخصی یاد می شود. اندکی از اهل سنت، ضمن پذیرش ولادت حضرت مهدی (ع)، اما با قاطعیت، رحلت آن حضرت را مدعی شده اند و به نفی باور شیعیان در مسئله مهدویت شخصی پرداخته اند، که از این رویکرد به «مخالفان حداقلی» مهدویت شخصی یاد می شود. برخی دیگر از اهل سنت، با انکار اصل ولادت حضرت مهدی، به مسئله مهدویت شخصی و شیعیان، واکنش منفی شدید نشان داده اند که از این رویکرد به «مخالفان حداکثری» مهدویت شخصی یاد می شود. با توجه به گستردگی منابع اهل سنت و متفاوت بودنشان از لحاظ روش و موضوع، اولویت در گزینش و استفاده از منابع، کتب تاریخی، انساب، تراجم، و مناقب نگاری است که درباره بُعد تاریخی مهدویت شخصی، نفیاً و اثباتاً اظهار نظر کرده اند.

الف. رویکرد موافقان ولادت و غیبت

بسیاری از جریان‌های فکری اهل سنت با پذیرش روایات مهدویت، رویکرد مثبتی به مهدویت شخصی دارند. با این حال، رویکرد موافقان یکسان نیست و به رویکرد موافقان حداقلی و حداکثری تقسیم پذیر است.

۱. موافقان حداقلی ولادت

گروهی از اهل سنت، با تصریح به کنیه «ابومحمد» برای امام حسن عسکری (ع)، اشاره تلویحی به ولادت حضرت مهدی (ع) داشته‌اند و درباره زنده بودن آن حضرت، نفیاً و اثباتاً، سخن نگفته‌اند که به آن اشاره می‌کنیم.

خطیب بغدادی شافعی (متوفای ۴۶۳ ه.ق.)؛ در شرح حال امام حسن عسکری (ع) ضمن اشاره به اعتقاد امامیه به امامت آن حضرت، کنیه امام حسن عسکری (ع) را «ابومحمد» ضبط می‌کند (خطیب بغدادی، بی تا: ۳۶۶/۷، ش ۳۸۸۶) که حاکی از پذیرش ولادت حضرت مهدی (ع) است.

سمعانی شافعی (متوفای ۵۶۲ ه.ق.)؛ وی ذیل واژه «العسکری»، ضمن اشاره‌ای کوتاه به شخصیت امام حسن عسکری (ع) و اعتقاد امامیه به امامت آن حضرت، از کنیه آن حضرت به «ابومحمد» یاد کرده است (سمعانی، ۱۴۰۸: ۱۹۴/۱) که ولادت حضرت مهدی (ع) را می‌توان از عبارت سماعانی برداشت کرد.

ابن جوزی حنبلی (متوفای ۵۹۷ ه.ق.)؛ در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. ضمن اشاره به شهادت امام حسن عسکری (ع) در این سال و اعتقاد شیعه امامیه به امامت آن حضرت، از کنیه آن حضرت به «ابومحمد» یاد کرده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵: ۱۲۶/۷) که نشان از ولادت حضرت مهدی (ع) است.

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۱۷

ابن تغری حنفی (متوفای ۸۷۴ ه.ق.)؛ او در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق.، به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، از کنیه آن حضرت به «ابومحمد» یاد کرده است (ابن تغری، ۱۴۱۳: ۴۷۳). با توجه به اشاره تلویحی رویکرد موافقان حداقلی به وجود حضرت مهدی (ع)، و سکوتشان درباره ولادت و زنده بودن حضرت، شاید بتوان دلیل این رویکرد تلویحی را در فضای تنش‌های مذهبی تفسیر کرد.

۲. موافقان حداکثری ولادت و غیبت

گروه بسیاری از اهل سنت، با اینکه به ولادت حضرت مهدی (ع) و به زنده بودن آن حضرت تصریح کرده‌اند، ولی به دلیل نگاه مذهبی، مواضع یکسان در قبال مهدویت شخصی ندارند. گروهی از آنان با نگاه فرامذهبی به مسئله مهدویت شخصی، علاوه بر تصریح به ولادت و زنده بودن حضرت، به دفاع از عقیده غیبت و مناقب‌گویی حضرت مهدی (ع) و اذعان به مهدویت شخصی روی آورده‌اند، که از آنان به موافقان حداکثری فرامذهبی مهدویت شخصی یاد می‌شود. گروهی دیگر نیز با پذیرش ولادت و زنده بودن حضرت مهدی (ع)، به دلیل تنش‌های مذهبی راجع به مهدویت شخصی، توقف، یا بدون ذکر دلیل علمی، اعلام مخالفت کرده‌اند که از آنان به موافقان حداکثری مذهبی مهدویت شخصی یاد می‌شود.

۱.۱. موافقان ولادت و غیبت با نگاه فرامذهبی

مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه.ق.)؛ وی در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. و به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، تحت عنوان «الإمام الثانی عشر» به مباحث مهمی درباره مهدویت، از جمله ولادت آن حضرت، اشاره می‌کند. وی ابتدا کنیه امام حسن عسکری (ع) را

«ابومحمد» و «ابومهدی المنتظر» می‌نامد. سپس به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، به امامت رسیدن حضرت مهدی (ع) در سال ۲۶۰ هجری را تصریح می‌کند. در ادامه، گرچه مسعودی عقیده «انتظار» را به جمهور شیعه امامیه و قطعیه نسبت داده، و به اختلاف شیعیان و تقسیم‌شان به بیست فرقه در تطبیق منتظر اشاره کرده، ولی از عبارات مسعودی چنین برمی‌آید که علاوه بر ولادت، امامت آن حضرت را نیز پذیرفته است. به گفته مسعودی در کتابش به نام سر الحیاة به فرقه‌های شیعی و اختلاف‌شان در مسئله مهدویت شخصی و تطبیق منتظر و استدلال‌هایشان، به تفصیل اشاره کرده است (مسعودی، بی تا: ۲۲۷/۴).

فخر رازی شافعی (متوفای ۶۰۶ ه.ق.)؛ وی در کتاب الشجرة المباركة فی أنساب الطالبية، در معرفی اولاد امام حسن عسکری (ع)، به دو پسر و دو دختر از آن حضرت اشاره کرده است (فخر رازی، ۱۴۱۹: ۹۲).

محمد بن طلحه شافعی (متوفای ۶۵۲ ه.ق.)؛ وی در کتاب خود با عنوان مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، که درباره مناقب دوازده امام نوشته شده، تحت عنوان «الباب الثانی عشر فی ابی القاسم (ع)» به مباحث مربوط به مهدویت شخصی پرداخته است. وی در ابتدای بحث خود، با تصریح به نام آن حضرت، «محمد»، و همنامی با نام مبارک پیامبر اعظم، آباء و اجداد حضرت مهدی (ع) را معرفی کرده و آنان را از نسل امام حسین (ع) دانسته است. وی با القابی همچون «المهدی»، «الحجة»، «الخلف الصالح» و «المنتظر» از حضرت مهدی (ع) یاد کرده و با عبارات ادیبانه درباره شرافت نسب، و جایگاه ویژه و عصاره رسالت و نبوت بودن حضرت مهدی (ع) به توصیف آن حضرت پرداخته است.

محمد بن طلحه با تصریح به ولادت حضرت مهدی (ع) در سامرا، سال ۲۵۸ ه.ق. را سال ولادت آن حضرت ثبت کرده (محمد بن طلحه، ۱۴۲۰: ۱۵۶/۲) و با اشاره به روایات نبوی درباره حضرت مهدی (ع) و ویژگی‌های حضرت، بر اساس کتب حدیثی اهل سنت مانند سنن ابی داود، سنن ترمذی و شرح السنة بغوی، و کتاب تفسیر الکشف والبیان ثعلبی

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۱۹

شافعی، به تطبیق روایات یادشده بر حضرت مهدی (ع) و تبیین مهدویت شخصی و پاسخ به شبهات مخالفان مهدویت شخصی پرداخته است (همان: ۱۵۸-۱۶۰). محمد بن طلحه با تصریح به زنده بودن و غیبت حضرت مهدی (ع)، ضمن اشاره به اشکالات مخالفان غیبت حضرت، به تفصیل به شبهه آنان مانند استدلال به زنده بودن حضرت عیسی، خضر، ابلیس و دجال، پاسخ داده و از اندیشه غیبت حضرت مهدی (ع) دفاع کرده است (همان: ۱۶۰ و ۱۶۱).

سبط بن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ ه. ق.)؛ وی در دو کتاب مناقبی و تاریخی اش ضمن اشاره تفصیلی به مسئله مهدویت شخصی و باورهای خاص مرتبط با آن، مانند از نسل امام حسین بودن حضرت، ولادت، و غیبت حضرت مهدی (ع)، به دفاع از غیبت آن حضرت و تطبیق روایات مهدویت بر آن حضرت پرداخته است. وی در کتاب تذکرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة که در مناقب چهارده معصوم است به باورهای خاص مرتبط با مهدویت شخصی و تطبیق روایات مهدویت بر حضرت مهدی (ع) پرداخته است. سبط بن جوزی ضمن اشاره به پدران و اجداد حضرت مهدی (ع)، آن حضرت را از نسل امام حسین (ع) معرفی می‌کند. اسامی «محمد»، «ابوعبدالله»، «ابوالقاسم» و «الخلف»، «الحجة»، «صاحب الزمان»، «القائم»، «المنتظر»، «التالی» را به ترتیب، به عنوان نام، کنیه و القاب آن حضرت ثبت کرده است. وی حضرت مهدی (ع) را به عنوان آخرین پیشوا از دوازده امام معرفی کرده و روایات نبوی درباره مهدویت را بر آن حضرت تطبیق داده است. جالب اینکه بدون هیچ نقد یا تعریضی، به باور امامیه در مسئله مهدویت شخصی اشاره کرده و زنده بودن حضرت خضر و الیاس را به عنوان یکی از دلایل زنده بودن حضرت مهدی (ع) نقل کرده است (سبط بن جوزی، ۱۴۲۶: ۵۰۵/۲-۵۱۵).

سبط بن جوزی حنفی در اثر دیگرش به نام مرآة الزمان فی تواریخ الزمان، نیز به مسئله مهدویت شخصی و باورهای مرتبط با آن تصریح کرده است. وی در حوادث سال ۲۶۰

ه.ق. به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، علاوه بر اشاره به کنیه آن حضرت، «ابومحمد»، به وجود حضرت مهدی (ع) به عنوان فرزند امام حسن عسکری (ع) تصریح می‌کند. وی اسم «محمد»، کنیه «ابوالقاسم»، و القاب «قائم» و «حجة» را برای حضرت مهدی (ع) ثبت می‌کند. سبط بن جوزی، تاریخ ولادت حضرت مهدی را در ماه ذی الحجة سال ۲۵۸ ه.ق. ثبت کرده و سن حضرت هنگام شهادت امام حسن عسکری (ع) را دو سال، و سن شروع غیبت حضرت مهدی (ع) را چهارسالگی ثبت کرده است. سبط بن جوزی از امام مهدی (ع) با عنوان آخرین امام و صاحب سرداب در سامرا، بدون هیچ نقد یا تعریضی، یاد کرده، و از غیبت و زنده بودن آن حضرت به «فاختفی» یاد می‌کند، که حاکی از پذیرش مهدویت شخصی از سوی سبط بن جوزی است (همو، ۱۴۳۴: ۱۵/۴۱۹ و ۴۲۰).
گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه.ق.)؛ وی کتاب مستقلی درباره حضرت مهدی (ع) با عنوان *البيان في أخبار صاحب الزمان (ع)* دارد که در ضمن ۲۵ باب، به تفصیل به اثبات مهدویت شخصی از بُعد حدیثی و تاریخی پرداخته است. گنجی روایات مرتبط با حضرت مهدی (ع) را در ۲۴ باب موضوع‌بندی کرده و در باب ۲۵ به تطبیق روایات بر حضرت مهدی (ع) و اثبات زنده بودن و غیبت آن حضرت با دلایل عقلی و نقلی پرداخته است (گنجی، ۱۳۹۹: ۱۴۸ و ۱۵۶). گنجی به تفصیل به شبهات مرتبط با مهدویت شخصی پرداخته و به آنها پاسخ داده است.

موصلی شافعی (متوفای ۶۶۰ ه.ق.)؛ وی در کتابش با عنوان *النعم المقيم لعتره النبأ العظيم*، که در فضایل چهارده معصوم است، در فصل دوازدهم، به معرفی تفصیلی پیشوای دوازدهم و مهدویت شخصی و باورهای مرتبط با آن پرداخته است. موصلی از حضرت مهدی (ع) به عنوان پیشوای دوازدهم، و «خلف صالح» یاد کرده و نام «محمد»، کنیه «ابوالقاسم»، و القاب «حجة»، «مُنْتَظَر»، «قائم»، و «مهدی» را درباره حضرت مهدی (ع) ثبت کرده است. موصلی ضمن اشاره به آباء و اجداد حضرت مهدی (ع)، آن حضرت را از نسل امام حسین (ع) معرفی

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۲۱

می‌کند. وی در توصیف حضرت مهدی (ع) با عباراتی همچون «الأمین المکین من سُلالة الأنبياء و حُجّة الأولياء إمام المؤمنین و بقیة الطاهرين» یاد کرده است. موصلی آن حضرت را مُنتظر اولیای خدا و مُنتقم دشمنان خدا معرفی کرده که خداوند خون بها و ثار اهل بیت (ع) را به وسیله آن حضرت خواهد گرفت.

نکته مهم در عبارات موصلی، نحوه‌گزینش روایات مهدویت است. وی از مجموع روایات مهدویت، روایاتی را انتخاب کرده که در آن به مقوله انتظار در امت حضرت موسی و عیسی و پیامبر اعظم، و غیبت حضرت مهدی اشاره شده و نشان از باور موصلی به مسئله مهدویت شخصی است. موصلی، زادگاه حضرت مهدی (ع) را سامرا و زادروز آن حضرت را روز جمعه، هشتم ربیع‌الاول یا پنجم شعبان ۲۵۸ یا ۲۵۵ ه.ق. گزارش کرده است. وی درباره زنده بودن حضرت مهدی (ع) نیز با عبارت «لم يتصل بنا خبر وفاته»، به زنده بودن و غیبت آن حضرت اذعان می‌کند (موصلی، ۱۴۳۰: ۴۴۳-۴۶۱).

جوینی شافعی (متوفای ۷۲۲ ه.ق.)؛ وی در کتاب خود با عنوان فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والبتول والسبطين والأئمة من ذریتهم (ع) که در فضایل اهل بیت (ع) و دوازده امام است، با تعریف و تمجید از عترت پاک پیامبر اعظم، حضرت مهدی (ع) را آخرین پیشوای اهل بیت (ع) معرفی می‌کند و با مهدی و قائم خواندن حضرت، به تجلیل و مناقب‌گویی از حضرت مهدی (ع) پرداخته و در نهایت بر پیامبر اعظم و اهل بیت آن حضرت، به ویژه حضرت مهدی (ع)، درود و سلام می‌فرستد (جوینی، ۱۴۰۰: ۲۱/۱). از عبارات جوینی چنین برمی‌آید که وی، ولادت و غیبت حضرت مهدی (ع) را پذیرفته و روایات نبوی درباره مهدویت را بر آن حضرت تطبیق داده است.

ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ ه.ق.)؛ وی در کتابش با عنوان الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، که درباره چهارده معصوم و مناقبشان است، ذیل «الفصل الثانی عشر فی ذکر ابی القاسم محمد الحجة الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص و هو الامام الثانی

عشر»، به اثبات مهدویت شخصی و زیرساخت‌های شکل‌گیری این باور، از جمله ولادت و غیبت حضرت و پاسخ به شبهات می‌پردازد. ابن صباغ در اثبات غیبت حضرت مهدی (ع)، به روایاتی که قبل از ولادت آن حضرت، از غیبت ایشان خبر داده بودند، تصریح می‌کند (ابن صباغ مالکی، ۱۴۳۲: ۱۰۹۷/۲). وی ضمن اشاره به قیام حضرت مهدی (ع) برای تشکیل دولت ایمان، به غیبت صغرا و کبرا قبل از قیام آن حضرت اشاره کرده، بر اساس آیات و روایات، آن را اثبات می‌کند (همان: ۱۰۹۷/۲-۱۱۰۱). ابن صباغ با اذعان به بقا و زنده بودن حضرت مهدی (ع)، به اثبات بقای حضرت از کتاب و سنت پرداخته و به شبهات مرتبط با آن به تفصیل پاسخ داده است (همان: ۱۰۹۷/۲-۱۱۳۶). نکته‌ای که در عبارات ابن صباغ وجود دارد، بهره فراوان او از کتاب البیان فی اخبار الزمان گنجی شافعی در پاسخ به شبهات در مسئله مهدویت شخصی است. وی با اشاره به دیدگاه برخی از اهل اثر و حدیث در مسئله مهدویت شخصی، می‌گوید گروهی از اهل اثر معتقدند حضرت مهدی، همان قائم منتظر است که در روایات، وعده ظهور و پرتوگستری نورش داده شده است. وی در پایان به مناقب‌گویی حضرت مهدی (ع) می‌پردازد (همان).

فضل بن روزبهان خنجی اصفهانی شافعی (متوفای ۹۲۷ ه.ق.)؛ وی یکی از چهره‌های جنجالی است که با نگارش کتاب ابطال نهج الباطل در رد کتاب نهج الحق علامه حلی، و همچنین ردیه‌های قاضی نورالله شوشتری با عنوان احقاق الحق و محمد حسن مظفر با عنوان دلائل الصدق بر کتاب فضل بن روزبهان، از او چهره‌ای شیعه‌ستیز ساخته است. با این حال، رویکرد وی به چهارده معصوم، به ویژه حضرت مهدی (ع) و اعتقادش به مهدویت شخصی با نگارش کتاب وسیلة الخادم إلى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم، بسیار در خور توجه و تأمل است. وی ابتدا با درود و صلوات بر حضرت مهدی به عنوان پیشوای دوازدهم، آن حضرت را وارث پیامبر اعظم و عصاره سجایای اخلاقی و علمی یازده امام معرفی می‌کند (خنجی، ۱۳۷۵: ۲۵۹-۲۷۱). خنجی ضمن اشاره به آرا و دیدگاه‌های مخالفان و موافقان

مهدویت شخصی و دلایلشان، در نهایت با اذعان به ولادت حضرت مهدی (ع)، زنده بودن آن حضرت و تطبیق مهدی در روایات، بر شخص آن حضرت، مهدویت شخصی را پذیرفته است. خنجی درباره اصل مهدویت و شخص حضرت مهدی (ع) می‌گوید: «و مختار ما آن است که وجود مهدی در آخر زمان واجب است که بر آن حکم کنند بنا بر احادیث صحیحه که یاد کردیم و واجب است که حکم کنند که از اولاد فاطمه (ع) است و نام او محمد است، اکنون این صفات تمامی در محمد است» (همان: ۲۷۸). وی اوصاف حضرت مهدی (ع) در روایات و تطبیق آن بر حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع)، را باور بسیاری از مؤمنان دانسته، آثار و حکایات در اثبات مهدویت شخصی را مستفیض و بلکه متواتر می‌داند (همان). همچنین، خنجی در اثبات مهدویت شخصی، به روایات دوازده امام استناد کرده و تعبیر «اولی» و «انسب» را در تطبیق روایات یاد شده به کار می‌برد (همان). وی راجع به مسئله مهدویت شخصی، نظرش را همانند دیدگاه امامیه اعلام می‌کند و به تطبیق مهدویت در روایات بر حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع) و حکم به زنده بودن و غیبت و بهره‌مندی از حضرت در پس پرده غیبت، و صحت چنین عقیده‌ای، تصریح می‌کند (همان: ۲۷۸ و ۲۷۹). خنجی ذیل لقب «القائم المنتظر»، به توجه حضرت مهدی (ع) در دوران غیبت، به مردم اشاره کرده و اینکه مردم در این دوران از عنایات حضرت بی‌بهره نیستند و امام نیز عنایاتش را به همگان ابراز می‌دارد. وی حتی به ظهور حضرت مهدی (ع) در دوران غیبت، برای خواص و محبان آن حضرت تصریح می‌کند (همان).

خواندمیر حنفی (متوفای ۹۴۲ ه. ق.)؛ وی نیز با تصریح به زادگاه و زادروز حضرت مهدی (ع) با عبارات تجلیل آمیز، به زنده بودن و غیبت آن حضرت اذعان می‌کند (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲/۱۰۰). قرمانی دمشقی (متوفای ۱۰۱۹ ه. ق.)؛ بنا به گفته مجتبی حنفی، قرمانی نویسنده کتاب تاریخی اخبار الدول و آثار الأول و از نویسندگان مشهور و خوش قلم قرن دهم هجری در دمشق است که علاوه بر کتابت تاریخ، کتابت وقف حرمین شریفین در دمشق پس از

فوت پدرش را نیز عهده‌دار شد، و با حُکام، به‌ویژه قضات آن دیار ارتباط بسیار داشت (محبی، ۱۴۲۷: ۱/۲۴۰ و ۲۴۱، ش ۱۵۷). وی در فصل یازدهم از کتابش، با عنوان «فی ذکر ناصر الدین المحمدي الإمام العام أبي القاسم محمد بن حسن العسكري رضي الله عنه» به مسئله ولادت، زنده‌بودن، غیبت صغرا و کبرای حضرت مهدی (ع)، روایات مهدویت و تطبیق مهدویت شخصی بر حضرت مهدی (ع) با عبارات تجلیل‌آمیز پرداخته است. قرمانی عمر شریف حضرت مهدی (ع)، هنگام شهادت امام حسن عسکری (ع) را پنج سال ثبت کرده و اعطای حکمت و امامت به حضرت مهدی (ع) در کودکی را به استناد نبوت حضرت یحیی در کودکی اثبات می‌کند (قرمانی، ۱۴۱۲: ۱/۳۵۳). وی با بیان بعضی از خصوصیات ظاهری حضرت مهدی (ع)، به غیبت حضرت مهدی (ع) و اقسام آن تصریح می‌کند. از غیبت صغرا به «غیبت قُصرا» و ارتباط امام با مردم از طریق نُواب و از غیبت کبرا به «غیبت طولاً» و قیام با شمشیر حضرت در آخرالزمان یاد می‌کند (همان). وی با اشاره به اتفاق علما بر ظهور حضرت در آخرالزمان، و تواتر روایات مهدویت، به نقش اساسی حضرت در عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی جهانی، با عبارات ادبی پرداخته است (همان: ۱/۳۵۴). قرمانی ضمن اشاره به مسئله سرداب غیبت و انتساب آن به شیعه، نپذیرفتن این عقیده را با عبارت «زعم الشيعة» اعلام می‌کند (همان: ۱/۳۵۳). این تنها موضع‌گیری مذهبی قرمانی در مسئله مهدویت شخصی است، وگرنه با اذعان به ولادت و غیبت حضرت مهدی و تطبیق مهدویت شخصی بر آن حضرت، رویکرد فرامذهبی‌اش راجع به مهدویت شخصی را ابراز داشته است.

قُندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ ه.ق.)؛ وی با جمع‌آوری آثار اهل سنت در فضایل چهارده معصوم، در کتاب ینابیع المودّة لذوی القُربی، به تفصیل به مسئله مهدویت شخصی پرداخته و علاوه بر نقل روایات مهدویت، مسئله «ولادت»، «غیبت» حضرت مهدی (ع)، و حتی کرامات حضرت و افرادی را که در دوران غیبت، حضرت مهدی (ع) را دیده‌اند

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۲۵

تحت عناوینی همچون «فی ذکر ولادة القائم المهدي»، «فی خوارق المهدي و کراماته التي ظهرت للناس»، «فی بیان الامام ابو محمد الحسن العسكري أرى ولده القائم المهدي لخواص موالیه و أعلمهم أن الإمام من بعده ولده»، و «فی بیان من رأى صاحب الزمان بعد غيبته الكبرى»، به تفصیل یادآور می شود و بخش گسترده ای از کتابش را به مطالب مرتبط با مهدویت شخصی اختصاص می دهد (قندوزی، ۱۴۲۲: ۳/۲۳۵-۴۰۵).

قاضی بهلول بهجت افندی شافعی (متوفای ۱۳۵۰ ه.ق.)؛ وی فقیه، تاریخ نگار و فیلسوف قرن سیزدهم و چهاردهم هجری در زنگی زور قره باغ ارمنستان است که ابتدا حنفی بود و سپس به مذهب شافعی گروید. بنا به گفته وی، از تبار ابویوب انصاری است. سفرهای بسیار به مناطق مختلف، از جمله ایران، داشته و با علمای امامیه، از جمله حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، دیدار و گفت و گو داشته است. از وی آثاری از جمله صد روز در گزارش جنگ صفین، حُجر بن عدی و رساله ای در ذکر افرادی از علمای عامه که قضیه سوزاندن در خانه حضرت زهرا را روایت کرده اند و نیز کتاب تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد ثبت شده است که به تاریخ آل محمد نیز شهرت دارد. اصل کتاب به زبان ترکی است که میرزا مهدی تبریزی آن را به فارسی ترجمه کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷: ۴/۷۷۰). قاضی بهجت در کتابش با عنوان تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد که درباره فضایل چهارده معصوم است، به ولادت و غیبت حضرت مهدی (ع) اذعان می کند (افندی، ۱۳۷۶: ۱۶۴).

۲.۱. موافقان ولادت و غیبت با نگاه مذهبی

یاقوت حموی (متوفای ۶۲۶ ه.ق.)؛ گرچه وی ذیل واژه «سامرا»، سرداب سامرا و مسئله غیبت را از باورهای اختصاصی شیعه برشمرد و از این عقیده با «تزعّم الشیعة» و «فی زعم الشیعة الإمامیه» یاد می کند (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ۳/۱۷۶ و ۱۷۸) ولی ذیل واژه «عسکر

سامرا»، ضمن اشاره‌ای کوتاه به قبر امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)، به وجود حضرت مهدی (ع) تصریح کرده، و فقط منتظر بودن و مهدویت شخصی را بدون ذکر هیچ دلیلی و فقط به دلیل عقاید مذهبی نفی می‌کند (همان: ۱۲۳/۴).

ابن اثیر جزری شافعی (متوفای ۶۳۰ ه.ق.)؛ وی در کتاب نسب‌شناسی اش اجمالاً به وجود حضرت مهدی (ع) اشاره می‌کند، ولی در کتاب تاریخی اش به تفصیل درباره حضرت مهدی (ع) سخن می‌گوید. ابن اثیر ذیل واژه «العسکری» ضمن اشاره به امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و باور امامیه به امامت آن حضرت، «ابومحمد» را به عنوان کنیه امام حسن عسکری (ع) به کار می‌برد (ابن اثیر، بی تا: ۳۴۰/۲). ولی ابن اثیر در کتاب تاریخی اش، ذیل حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. ضمن اشاره به شهادت امام حسن عسکری (ع) در این سال و اعتقاد امامیه به امامت آن حضرت، اولاً از کنیه آن حضرت به «ابومحمد» یاد می‌کند و ثانیاً امام حسن عسکری (ع) را بدون هیچ تأمل و درنگی، پدر حضرت مهدی (ع) می‌داند؛ «و هو والد محمد». البته راجع به منتظر بودن و تطبیق مهدویت شخصی بر آن حضرت، به باور امامیه اشاره می‌کند (همو، ۱۴۰۸: ۴/۴۵۴).

ابن خلکان شافعی (متوفای ۶۸۱ ه.ق.)؛ وی در شرح حال حضرت مهدی (ع) با عنوان «ابوالقاسم المنتظر»، به مسائل مرتبط با مهدویت شخصی اشاره می‌کند. وی از حضرت مهدی به «محمد بن الحسن العسکری» یاد کرده و ضمن اشاره به پدران و اجداد آن حضرت، حضرت مهدی را از نسل امام حسین (ع) معرفی کرده است. ابن خلکان با اشاره به القاب «حجة»، «منتظر»، «قائم» و «مهدی»، باور شیعیان امامیه درباره جایگاه حضرت مهدی (ع) به عنوان پیشوای دوازدهم و غیبت آن حضرت را با عبارت «وترعم الشیعة» یادآور شده، که نشان از رویکرد مذهبی وی در انطباق ندادن مسئله مهدویت بر حضرت مهدی (ع) است، با این حال به ولادت و حتی زنده بودن آن حضرت اذعان می‌کند. ابن خلکان، با تصریح به ولادت حضرت مهدی (ع)، تاریخ ولادت را نهم ربیع‌الاول ۲۵۸ ه.ق. ثبت کرده است. وی

اقوال مختلف درباره سال ورود حضرت مهدی به سرداب و شروع غیبت آن حضرت را نقل می‌کند، و هیچ گزارشی دال بر رحلت آن حضرت ثبت نمی‌کند (ابن خلکان، ۱۳۹۸: ۱۷۶/۴). نکته مهم نقل قول ذهبی از ابن خلکان درباره زنده بودن حضرت مهدی (ع) است. ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۱۳) بعد از نقل عبارات ابن خلکان درباره حضرت مهدی (ع)، جمله «و هو [الإمام المهدی] حیّ» را به ابن خلکان نسبت داده است، که جای بررسی دارد. در اینکه واژه «حیّ» نقل قول مستقیم ذهبی از ابن خلکان است یا برداشت او از عبارات ابن خلکان، دو احتمال وجود دارد. با مراجعه به کتاب وفيات الاعیان ابن خلکان، اثری از واژه «حیّ» درباره حضرت مهدی (ع)، نیست. شاید در نسخه‌ای از وفيات الاعیان موجود نزد ذهبی، واژه «حیّ» بوده که بعدها حذف شده است. یا اینکه ذهبی از تصریح ابن خلکان به ولادت و نقل نکردن وفات حضرت مهدی (ع)، باور ابن خلکان به زنده بودن حضرت مهدی را برداشت کرده است. به هر حال، اعتقاد ابن خلکان به زنده بودن حضرت مهدی (ع)، از عبارات وی برداشت می‌شود.

ابوالفداء دمشقی (متوفای ۷۳۲ ه.ق.)؛ وی در حوادث سال ۲۵۵ ه.ق. به ولادت حضرت مهدی (ع) در این سال تصریح کرده و پدر بزرگوار آن حضرت را نیز امام حسن عسکری (ع) دانسته است. در ادامه، به اعتقاد امامیه در دوازدهمین امام بودن و تطبیق مهدویت بر حضرت مهدی (ع)، بدون هیچ نقدی اشاره کرده است (ابوالفداء، ۱۴۱۷: ۳۶۷/۱). در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. هم به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، به وجود حضرت مهدی (ع) به عنوان فرزند امام حسن عسکری (ع) اشاره می‌کند و از عقیده امامیه راجع به «منتظر» بودن حضرت مهدی (ع) با عبارت «ترعم» یاد می‌کند، که نشان از تأثیرپذیری وی از مباحث مذهبی درباره مهدویت شخصی است (همان: ۳۶۸).

ابن الوردی (متوفای ۷۴۹ ه.ق.)؛ وی در حوادث سال ۲۵۵ ه.ق. به ولادت حضرت مهدی (ع) در این سال تصریح کرده و پدر بزرگوار آن حضرت را نیز امام حسن عسکری (ع) دانسته

است. در ادامه، به اعتقاد امامیه در دوازدهمین امام بودن و مسئله غیبت آن حضرت و برخی مسائل دیگر نیز اشاره کرده که حاکی از پذیرش آن است (ابن‌الوردی، ۱۳۸۹: ۳۱۹/۱). یافعی شافعی (متوفای ۷۶۸ ه.ق.)؛ وی در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق.، به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، علاوه بر اینکه از آن حضرت به «ابومحمد» یاد می‌کند، به وجود حضرت مهدی (ع) اذعان می‌کند، ولی در تطبیق مهدویت شخصی بر آن حضرت، فقط به نقل باور امامیه در اعتقاد به «مُنْتَظَر» بودن آن حضرت اکتفا کرده، هیچ گزارشی از رحلت حضرت مهدی مطرح نمی‌کند (یافعی، ۱۴۱۷: ۱۲۷/۲).

خواجه محمد پارسای حنفی (متوفای ۸۲۲ ه.ق.)؛ وی در کتاب فصل الخطاب لوصول الاحباب، ذیل عنوان «ذکر مهدی المُنْتَظَر» به ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح می‌کند، ولی راجع به تطبیق مهدی منتظر بر آن حضرت، ظاهراً دیدگاه منفی دارد. وی ماجرای ولادت حضرت مهدی (ع) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. را به تفصیل گزارش می‌کند. خواجه محمد پارسا با اشاره به پنج سالگی حضرت مهدی (ع) هنگام شهادت امام حسن عسکری (ع)، معتقد است خداوند، حکمت و فصل الخطاب را به حضرت مهدی (ع) در کودکی عنایت فرمود و ایشان را همانند حضرت یحیی و عیسی، «آیه للعالمین» قرار داد. با این حال، وقتی سخن از قائم به میان می‌آید، به باور شیعه امامیه مبنی بر تطبیق قائم بر حضرت محمد بن الحسن العسکری اشاره، و از آن با عبارت «زعمت الشيعة الإمامية» یاد کرده است. همچنین، به طول عمر حضرت خضر به عنوان یکی از دلایل شیعه امامیه مبنی بر زنده بودن حضرت مهدی (ع) بدون هیچ نقدی اشاره می‌کند (خواجه محمد پارسا، ۱۳۸۱: ۵۹۸ و ۵۹۹). از مجموع عبارات خواجه محمد پارسا درباره اثبات ولادت، جایگاه ویژه، و امکان طول عمر حضرت، می‌توان چنین برداشت کرد که گرچه ظاهراً در مسئله مهدویت شخصی توقف کرده، ولی در واقع موافق حداکثری مهدویت شخصی بوده و عبارت «زعمت» درباره دیدگاه شیعه نیز، برخاسته از نگاه مذهبی اوست و بن‌مایه علمی ندارد.

ابن طولون دمشقی (متوفای ۹۵۳ ه.ق.)؛ وی حضرت مهدی (ع) را با کنیه «ابوالقاسم» و نام «محمد» فرزند امام حسن عسکری (ع)، توصیف می‌کند. ابن طولون با اشاره به آباء و اجداد امام مهدی (ع)، آن حضرت را از نسل امام حسین (ع) و امام دوازدهم معرفی می‌کند. وی با تصریح به ولادت حضرت مهدی (ع) در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. هیچ گزارشی درباره رحلت حضرت مهدی (ع) نقل نمی‌کند. ابن طولون به دیدگاه شیعه درباره غیبت حضرت مهدی (ع) و کاربرد واژه «حجة»، «منتظر»، «قائم» و «مهدی» اشاره می‌کند، و از باور شیعه در تطبیق مهدویت شخصی بر حضرت مهدی (ع)، به «تزعّم الشیعة» یاد می‌کند (ابن طولون، بی تا: ۱۱۷).

دیار بکری (متوفای ۹۶۶ ه.ق.)؛ تحت عنوان «ذکر الائمة الإثنی عشر»، از امام حسن عسکری (ع) به عنوان امام یازدهم با کنیه «ابومحمد» و از حضرت مهدی (ع) به عنوان امام دوازدهم با عنوان «محمد بن الحسن» با کنیه «ابوالقاسم» یاد می‌کند. وی با اشاره به پدران و اجداد آن حضرت و از نسل امام حسین بودن حضرت مهدی (ع)، زادروز حضرت مهدی (ع) را سال ۲۵۵ ه.ق. ثبت کرده و گزارشی از رحلت آن حضرت هم نقل نمی‌کند. وی ضمن اشاره به احادیث مهدویت، افضلیت حضرت مهدی (ع) بر شیخین را نیز مطرح می‌کند. دیار بکری به دلیل اختلافات مذهبی، دیدگاه امامیه درباره مهدویت شخصی و غیبت، اوصاف مرتبط با غیبت حضرت مانند «حجة»، «قائم»، «مهدی»، «منتظر» و «صاحب الزمان» را نقل کرده و از آن به «یزعمون» و «فی زعمهم» یاد می‌کند (دیار بکری، ۲۰۰۹: ۳/۳۳۶). در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. هم، به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، ضمن اذعان به وجود حضرت مهدی (ع)، تحت تأثیر اختلافات مذهبی قرار گرفته، از باور امامیه در مهدویت شخصی و تطبیق آن بر حضرت مهدی (ع) به تندی یاد می‌کند (همان: ۴۴۸).

ابن عماد حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ ه.ق.)؛ وی در حوادث سال ۲۶۰ ه.ق. به شهادت امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده و از کنیه آن حضرت به «ابومحمد» یاد، و آن حضرت را پدر حضرت

مهدی منتظر صاحب السرداب معرفی کرده است. از سوی دیگر، هیچ گزارشی از رحلت حضرت مهدی (ع) نمی‌دهد، و فقط به دلیل اثرپذیری از تنش‌های مذهبی، شیعیان را به سبب اعتقاد به دوازده امام و عصمت آنان، رافضه می‌خواند (ابن عماد، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۲).

شیخ مؤمن بن حسن شبلینجی شافعی (۱۲۹۸ ه.ق.)؛ وی در کتاب نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، به فضایل چهارده معصوم نیز پرداخته، و با اینکه فصل مستقلی را به حضرت مهدی (ع) با عنوان «فی ذکر مناقب محمد بن الحسن الخالص» اختصاص داده و به ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح می‌کند ولی به دلیل رویکرد مذهبی، مهدویت شخصی از نگاه شیعیان را نفی کرده و به مناقب‌گویی از مهدی آخرالزمان که هنوز متولد نشده، پرداخته است. شبلینجی به نقل از دیدگاه امامیه درباره زادگاه و زادروز حضرت مهدی (ع) اکتفا می‌کند. همچنین، زنده بودن و غیبت حضرت مهدی (ع) را بر اساس دو کتاب الفصول المهمة فی معرفة الأئمة اثر ابن صباغ مالکی، و البیان فی أخبار صاحب الزمان اثر گنجی شافعی، تبیین کرده است (شبلینجی، ۱۴۱۸: ۱۸۱/۲-۱۸۸).

شیراوی شافعی (۱۱۷۲ ه.ق.)؛ وی در کتاب الإتحاف بحب الأشراف، که در فضایل چهارده معصوم است، ضمن تصریح به ولادت حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری (ع)، فقط از حضرت مهدی در روایات تجلیل کرده و آن را قابل انطباق بر حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری (ع) نمی‌داند. وی با اشاره به ولادت حضرت مهدی (ع) در سامرا، و صحت روایات مهدویت، به رد باور شیعه در تطبیق روایات مهدویت بر حضرت مهدی (ع) پرداخته است (شیراوی، ۱۴۲۳: ۳۷۴-۳۷۸).

بررسی و نقد

بر رویکرد موافقان حداکثری مذهبی که به ولادت حضرت مهدی (ع) اذعان کرده ولی مهدویت شخصی را انکار کرده‌اند دو نقد جدی مطرح است:

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۳۱

نقد اول؛ این گروه از اهل سنت که به ولادت حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع)، تصریح کرده‌اند، چرا درباره وفات آن حضرت سکوت کرده و هیچ گزارشی را ثبت نکرده‌اند؟! اگر وجود تاریخی حضرت مهدی (ع) را پذیرفتند، چاره‌ای جز پذیرفتن زنده بودن و غیبت حضرت ندارند، مگر اینکه دلیل قاطعی در اثبات رحلت آن حضرت اقامه کنند که در عباراتشان چنین مسئله‌ای یافت نشد.

نقد دوم؛ در مسئله مهدویت شخصی و انکار تطبیق مهدویت بر وجود حضرت مهدی (ع) از سوی این گروه نیز باید گفت بعد از اذعان به ولادت، و ثبت نشدن وفات آن حضرت و پذیرش وجود تاریخی حضرت مهدی (ع)، هیچ دلیلی در انکار مهدویت شخصی، به جز انگیزه‌های مذهبی، باقی نمی‌ماند. تنش‌های مذهبی و موضع‌گیری‌های فرقه‌ای، تنها دلیل رویکرد موافقان حداکثری وجود تاریخی حضرت مهدی (ع)، در انکار مهدویت شخصی است و هیچ توجیه علمی، غیر از انگیزه‌های مذهبی و فرقه‌ای، ندارد.

ب. رویکرد مخالفان ولادت و غیبت

چنان‌که گفته شد، برخی از اهل سنت به انکار جنبه تاریخی مهدویت شخصی روی آورده‌اند. برخی با اذعان به ولادت حضرت، رحلت حضرت مهدی (ع) را مدعی شده‌اند که از آنان به مخالفان حداقلی جنبه تاریخی مهدویت شخصی یاد می‌شود. برخی دیگر نیز به انکار اصل ولادت حضرت مهدی (ع)، و بقای نسل امام حسن عسکری (ع) روی آورده‌اند که از آنان به مخالفان حداکثری جنبه تاریخی مهدویت شخصی یاد می‌شود.

۱. مخالفان حداقلی ولادت و غیبت

از میان مخالفان حداقلی مهدویت شخصی، ذهبی و صفدی علاوه بر تصریح به ولادت حضرت مهدی (ع)، رحلت آن حضرت را مدعی شده‌اند!

ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.)؛ وی در آثار تاریخی و رجالی‌اش، ضمن اقرار به ولادت فرزندی از امام حسن عسکری (ع) به نام حضرت مهدی (ع)، اولاً به رحلت امام مهدی (ع) در همان دوران کودکی قائل شده است؛ ثانیاً تطبیق منتظر بر آن حضرت و عقیده غیبت را به شدت انکار می‌کند. وی در کتاب‌های دُول الإسلام و العَبَر (ذهبی، ۱۴۲۷: ۲۳۲/۱؛ همو، بی‌تا: ۳۷۳/۱)، به مناسبت حوادث سال ۲۶۰ ه.ق.، ضمن اشاره به شهادت امام حسن عسکری (ع)، به وجود حضرت مهدی (ع) به عنوان فرزند آن حضرت تصریح می‌کند؛ «و هو والد المنتظر محمد»، و البته با تعبیر «رافضه» از شیعه، به عقیده شیعه در مسئله امامت و عصمت، در دو کتاب یاد شده تعریض‌هایی دارد. اما در کتاب تاریخ الإسلام و سیر أعلام النبلاء، با ادبیات دیگری درباره ولادت حضرت مهدی (ع) سخن می‌گوید.

در کتاب تاریخ الإسلام (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۱۹)، ذیل حوادث سال ۲۶۰ ه.ق.، و به مناسبت شهادت امام حسن عسکری (ع)، با اینکه به ولادت حضرت مهدی (ع) در سال ۲۵۸ یا ۲۵۶ ه.ق. اذعان می‌کند، ولی در ادامه صرفاً مدعی شده است که آن حضرت، دو سال بعد از امام حسن عسکری، به شکل نامعلومی از دنیا رفته است! ذهبی با به‌کار بردن واژه «رافضه»، عقیده شیعیان درباره غیبت را ناشی از عدم تثبت عقل و ایمان می‌داند و تلویحاً و تصریحاً عقیده غیبت را استهزاء می‌کند.

در کتاب سیر أعلام النبلاء (ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۱۳-۱۲۲)، ذیل عنوان «المنتظر»، از حضرت مهدی (ع) به «الشریف ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری» و آخرین دوازده امام بزرگوار، یاد می‌کند که نشان از اقرار وی به ولادت حضرت مهدی (ع) است. وی در ادامه با نقل اقوال مختلف درباره ولادت حضرت مهدی (ع) می‌گوید ابن حزم معتقد است امام حسن عسکری (ع) نسلی از خود بر جای نگذاشته است. جمهور شیعیان معتقدند حضرت مهدی (ع) وجود داشته ولی امام عسکری (ع) آن حضرت را پنهان کرده است. برخی دیگر نیز می‌گویند حضرت مهدی (ع) بعد از رحلت امام عسکری (ع) به دنیا آمده است. ذهبی

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۳۳

با اینکه ولادت حضرت مهدی (ع) را پذیرفته ولی در نهایت، با ادعای اینکه ابن جریر طبری و یحیی بن صاعد بغدادی گفته‌اند امام حسن عسکری (ع) فرزند و نسلی از خود بر جای نگذاشته (همان: ۱۲۲)، فوت نامعلوم حضرت مهدی (ع) را پذیرفته است، چنان‌که در تاریخ الاسلام هم به این مسئله تصریح کرده است (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۱۹). در پایان نیز با ادعای اینکه زنده بودن حضرت مهدی (ع)، احواله به غایب یا محال است، و بر فرض محال نبودن غیبت، چه کسی حضرت مهدی را دیده است، عقیده غیبت را ناشی از زوال عقل و هوس بین و دروغ می‌خواند. وی با ادعای اینکه روش امامیه، احتجاج به محال و دروغ ورد حق صحیح است، عقیده امامیه در باب غیبت و زنده بودن آن حضرت را استهزاء کرده است (ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱۳).

صفدی شافعی (متوفای ۷۶۴ ه. ق.)؛ صفدی نیز با اینکه به ولادت حضرت مهدی (ع) اذعان کرده، ولی فوت نامعلوم آن حضرت را مدعی شده است. وی ذیل نام امام حسن عسکری (ع)، از آن حضرت به «والد الإمام المنتظر» یاد کرده و با اذعان به وجود فرزندی به نام «محمد» از امام حسن عسکری (ع)، ولادت حضرت مهدی (ع) را در سال ۲۵۸ یا ۲۵۶ ه. ق. ثبت کرده است. صفدی با ادعای اینکه حضرت مهدی (ع) دو سال پس از رحلت امام حسن عسکری (ع)، به شکل نامعلومی از دنیا رفته، فوت آن حضرت را بدون ذکر دلیل، مدعی می‌شود و عقیده شیعیان در مسئله غیبت را رد می‌کند (صفدی، ۱۴۱۱: ۱۱۳/۱۲).

بررسی و نقد رویکرد مخالفان حداقلی

با اینکه ذهبی در برخی از عباراتش، و صفدی به ولادت حضرت مهدی (ع) اذعان کرده‌اند، ولی ادعایشان درباره وفات آن حضرت، از دو جهت مخدوش است؛ اول، سخن از «فوت نامعلوم حضرت مهدی (ع)» ادعایی است نیازمند دلیل نقلی خاص بر فوت آن حضرت، چراکه ولادت آن حضرت به اذعان ذهبی و صفدی قطعی است و

همان‌گونه که تاریخ و مکان ولادت حضرت مهدی (ع) را مشخصاً ثبت کرده‌اند، باید دلیل روشن و خاص از تاریخ فوت، محل دفن و امثال آن درباره سرنوشت حضرت مهدی (ع) ارائه کنند و صرف استبعاد و اینکه «چه کسی او را دیده است» و «اعتقاد به غیبت و زنده بودن حضرت مهدی (ع)، احاله به غایب یا محال است»، نمی‌تواند دلیلی بر فوت حضرت مهدی (ع) باشد.

دوم، ادعای «انقطاع نسل امام حسن عسکری (ع)»، و استناد آن به طبری و یحیی بن صاعد بغدادی، کاملاً بی‌اساس و نادرست است، چراکه در بررسی‌های انجام شده در آثار طبری و سخنان یحیی بن صاعد، چنین ادعایی از آنان گزارش نشده است، و مشخص نیست ذهبی از کجا چنین ادعایی را نقل می‌کند. لذا رویکرد مخالفان حدافلی مهدویت شخصی پذیرفتنی نخواهد بود.

۲. مخالفان حداکثری ولادت و غیبت

ابن حزم اندلسی و ابن تیمیه اصل ولادت حضرت مهدی (ع) و مهدویت شخصی را انکار، و برخی از آنان به حضرت مهدی (ع) و معتقدان به عقیده غیبت توهین، و آنان را استهزاء کرده‌اند.

ابن حزم (متوفای ۴۵۶ ه.ق.)؛ وی ذیل فرزندان امام موسی بن جعفر (ع)، وقتی به امام حسن عسکری (ع) می‌رسد، آن حضرت را آخرین امام شیعیان معرفی می‌کند، و بدون اقامه دلیل، انقطاع نسل امام حسن عسکری (ع) را مدعی شده است (ابن حزم، بی تا: ۶۱).

ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه.ق.)؛ وی با اینکه اصل عقیده مهدویت و روایات مرتبط با آن را پذیرفته، ولی علاوه بر انکار ولادت حضرت مهدی (ع) و استهزاء عقیده غیبت، تفسیری نادرست از مهدویت شخصی مطرح کرده است. ابن تیمیه حضرت مهدی (ع) را «محمد بن عبدالله» و از نسل امام حسن مجتبی (ع) معرفی می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۳۲: ۱۸۴/۴ و ۱۸۵ و ۹۸/۳).

بررسی و نقد

در نقد ادعای ابن تیمیه باید گفت اولاً ادعای ابن تیمیه، بدون اقامه دلیل و بلکه مخالف رویکرد اهل سنت است. بسیاری از نسب شناسان، تاریخ نگاران و مناقب نگاران اهل سنت، با رویکردهای گوناگون موافقان حداقلی و حداکثری، در اینکه حضرت مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری (ع)، و از نسل امام حسین (ع) است، اتفاق نظر دارند. ثانیاً در روایات نبوی فراوانی از طریق اهل سنت در باب مهدویت، تصریح شده است که حضرت مهدی (ع) از نسل حضرت امام حسین (ع) است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ۸۱/۱-۱۷۸). ابن تیمیه در آثارش، با عبارات گوناگون، اعتقاد تاریخ نگاران و نسب شناسان به تداوم نیافتن نسل امام حسن عسکری (ع) و در نتیجه انکار ایشان راجع به ولادت حضرت مهدی (ع) را مدعی شده است. ابن تیمیه در رساله إلى المنسوبین إلى التشیع و غیرهم فی العراق و مشهد المنتظر مدعی شده که گروهی از نسب شناسان گفته اند امام حسن عسکری (ع) زمانی که در سامرا رحلت فرمودند، فرزند و نسلی از ایشان باقی نماند (ابن تیمیه، ۱۴۳۲: ۹۷/۳)، اما در کتاب رأس الحسین مدعی شده است که همه تاریخ نگاران و نسب شناسان معتقدند امام حسن عسکری (ع) فرزند و نسلی از خود بر جای نگذاشته است (همو، ۱۳۶۸: ۴ و ۵). در کتاب منهاج نیز (همو، ۱۴۲۴: ۷۶/۱، ۵۷۷/۲) با اشاره به برخی از مورخان مدعی شده است که تاریخ نگاران و نسب شناسان از جمله طبری و عبدالباقی بن قانع، به انقطاع نسل امام حسن عسکری (ع)، و فقدان فرزند از آن حضرت قائل شده اند. ابن تیمیه بر اساس ادعاهای یاد شده در نفی ولادت حضرت مهدی (ع)، علاوه بر انکار ولادت حضرت مهدی، به عقیده غیبت توهین، و آن را استهزاء کرده است. وی حضرت مهدی غایب را یتیمی می داند که باید حکم حَجْر بر ایشان صادر کرد که مطلقاً حق تصرف ندارد (همو، ۱۴۳۲: ۱۸۵/۴، ۱۰۰/۳؛ نک.: همو، ۱۳۶۸: ۴ و ۵). همچنین، غیبت حضرت مهدی (ع) را منشأ ضرر، شرّ و فساد برای اهل زمین توصیف می کند (همو، ۱۴۲۴: ۵۷۸/۲ و ۵۳۱/۴).

وی ضمن مقایسه توسل به حضرت مهدی غایب، با توسل بت پرستان به بت‌ها و احتمال توسل به شیطان به جای شخص غایب!، حال توسل‌کنندگان به حضرت مهدی (ع) را بدتر از بت پرستان توصیف می‌کند (همان: ۲۹/۱).

بررسی و نقد رویکرد مخالفان حداکثری

رویکرد مخالفان حداکثری جنبه تاریخی مهدویت شخصی، مدعی متولد نشدن حضرت مهدی (ع) و اجماع بر تداوم نیافتن نسلی از امام حسن عسکری (ع) است که با تقریرهای مختلف مطرح شده و آن را بررسی و نقد می‌کنیم.

۱. ادعای «اجماع»، و «گزارش تاریخ‌نگاران درباره نفی ولادت حضرت»؛

مخالفان حداکثری ولادت و غیبت، در حالی مدعی متولد نشدن حضرت مهدی (ع) شده‌اند که هیچ اجماعی از سوی اهل سنت، در نفی ولادت و غیبت حضرت وجود نداشته است. همچنین، هیچ یک از کتاب‌های تاریخی، مسئله ولادت حضرت را نفی نکرده‌اند. با اینکه برخی از تاریخ‌نگاران، نفیاً و اثباتاً، سخنی درباره ولادت آن حضرت به میان نیاورده‌اند، اما بسیاری از تاریخ‌نگاران که ولادت آن حضرت را گزارش کرده‌اند خبری از رحلت آن حضرت گزارش نکرده‌اند و زنده بودن آن حضرت را تلویحاً یا تصریحاً پذیرفته‌اند، چنانچه قائلان به ولادت و غیبت و گزارش‌های تاریخی و اظهار نظرهایشان، در رویکرد موافقان حداقلی، موافقان حداکثری فرامذهبی، و موافقان حداکثری مذهبی، به تفصیل بیان شد.

۲. ادعای فقدان نسلی از امام حسن عسکری (ع) و انتساب آن به طبری؛

ابن تیمیه در اظهار نظری عجیب، تداوم نیافتن نسل امام حسن عسکری (ع) را مدعی شده و آن را به طبری نسبت داده است. در حالی که با مراجعه به کتاب تاریخ طبری، وی نفیاً

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۳۷

و اثباتاً درباره ولادت حضرت و نسل و فرزندان امام حسن عسکری (ع) هیچ گزارشی نقل نکرده و اظهار نظری هم در این باره از او نقل نشده، و ابن تیمیه به دروغ چنین نسبتی به او داده است. محقق کتاب منهاج، در مستندسازی ادعای ابن تیمیه، به کتاب صله تاریخ الطبری اشاره می‌کند که این نقل نیز نه تنها مستندی بر ادعای ابن تیمیه نیست، بلکه در نقد آن است. بر اساس گزارش عریب بن سعد قرطبی، نویسنده کتاب صله (قرطبی، ۱۸۹۷: ۴۹ و ۵۰)، در سال ۳۰۲ ه.ق.، زمان مقتدر عباسی، فردی ادعای فرزندگی امام حسن عسکری (ع) را کرد و خود را محمد بن الحسن العسکری خواند. مقتدر عباسی هم با فراخواندن ابن طومار نقیب طالبیین، او را بابت این ادعا مؤاخذه کرد، که ابن طومار در پاسخ گفت امام حسن (ع) از خود فرزندگی نداشته، ولی در ادامه به وجود اختلاف در این مسئله اذعان کرده که برخی می‌گویند امام حسن (ع) فرزندگی داشته و برخی دیگر منکر این مسئله‌اند.

عریب بن سعد قرطبی (متوفای ۳۶۹ ه.ق.)؛ درباره وی و ثقه بودن یا نبودنش، اطلاعات دقیقی به جز گزارش اجمالی تلمسانی و زرکلی وجود ندارد. زرکلی در شرح حال عریب بن سعد، او را پزشک و تاریخ‌نگار دیار قرطبه، و از کارگزاران بنی عباس در منطقه اشونۀ قرطبه در سده چهارم هجری معرفی می‌کند که پدرانیش مسیحیان اسپانیایی بوده‌اند که مسلمان شده بودند و به «بنی الترمکی» شناخته می‌شدند. صله تاریخ الطبری، تقویم قرطبه در تاریخ، و کتاب خلق الجنین و تدبیر الحبالی والمولودین، در طب، را جزء آثار عریب برمی‌شمرد که از میان آنها فقط کتاب صله چاپ شده است (زرکلی، ۲۰۰۷: ۲۲۷/۴). عریب، با مبنا قرار دادن تاریخ طبری و خلاصه کردن آن، اخبار و رخداد های افریقا و اندلس در زمان خود را نیز به تاریخ طبری اضافه کرده و با عنوان صله تاریخ الطبری به ثبت رسانده است (مقری تلمسانی، ۱۳۸۸: ۱۸۲/۳).

الف. بسیاری از نسب‌شناسان، تاریخ‌نگاران و مناقب‌نگاران اهل سنت، به ولادت حضرت مهدی (ع) و استمرار نسل امام حسن عسکری (ع) از طریق امام مهدی (ع) تصریح کرده‌اند، چنانچه اشاره شد.

ب. هیچ یک از مورخان، عالمان رجالی و کتاب شناسان در تحقیقاتشان به کتاب صلة اشاره نکرده و از آن بهره نبرده اند، و این اعتبار کتاب را در معرض تردید قرار می دهد. مثلاً تلمسانی با اینکه اسم کتاب عریب را ثبت کرده و آن را مختصر تاریخ طبری و تاریخ افریقا و اندلس دانسته، ولی از اطلاعات آن درباره تاریخ اندلس و افریقا بهره نچسته است (همان). حاجی خلیفه حنفی وقتی به معرفی کتب درباره تاریخ طبری و اندلس می رسد، از تکمله های تاریخ طبری و اندلس با عنوان «صلة» یاد می کند، ولی هیچ اسمی از «صلة» عریب بن سعد نمی آورد (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲: ۲۸۵/۱ و ۲۸۶، ۲۹۷ و ۲۹۸).

ج. هیچ یک از مورخان جریان ابن طومار با مقتدر عباسی را نقل نکرده اند. فقط عریب آن را نقل کرده است که صحت این جریان را با مشکل روبه رو می کند.

د. بر فرض صحت جریان ابن طومار، گزارش عریب در رد ادعای ابن تیمیه است، چراکه شاید ابن طومار در برابر خلیفه عباسی، از سر تقیه منکر فرزند امام حسن عسکری (ع) شده باشد. همچنین، ابن طومار به صورت کلی فرزند امام حسن عسکری را نفی نکرده، بلکه به وجود اختلاف در میان طالبیان نیز اشاره می کند.

۳. نادرستی ادعای ابن تیمیه در نبود نسلی از امام حسن عسکری (ع) و انتساب آن به عبدالباقی؛ ابوحسین عبدالباقی بن قانع بن مرزوق بن واثق اموی بغدادی (۲۵۶-۳۵۱ ه.ق.) در خانواده ای منتسب به امویان رشد کرده است. گفته شده قاضی بوده و به مناطق متعددی سفر کرده است (خطیب بغدادی، بی تا: ۸۸/۱ و ۸۹، ش ۵۷۷۵). عبدالقانع از افراد بسیاری مانند حارث بن ابی اسامه و ابراهیم بن هیشم حدیث نقل کرده است. همچنین افرادی مانند دارقطنی، ابوالحسن بن رزقویه، احمد بن علی البادی، ابوالحسن حَمّامی و بسیاری از او حدیث نقل کرده اند (همان: ۸۸/۱ و ۸۹، ش ۵۷۷۵). با توجه به وجود مشایخ

حدیثی بنام در قرن سوم و چهارم و نقل نکردن عبدالقانع از آنها و نیز نقل نکردن محدثان بنام آن دوران از وی به جز دارقطنی، از بالانبودن جایگاه و اعتبار حدیثی عبدالقانع در قرن سوم و چهارم هجری حکایت دارد. در کتاب‌های حدیثی، خبری از انعکاس احادیث وی یا اظهار نظرهای او یافت نشده است. فقط ذهبی کتابی با نام معجم الصحابة را بنا بر شنیدهایش و با تردید، به عبدالقانع نسبت می‌دهد (ذهبی، ۱۴۱۷: ۵۲۶/۱۵ و ۵۲۷). با این توضیحات، ادعای ابن تیمیه در نفی فرزند امام حسن عسکری (ع) و نسبت آن به عبدالباقی بن قانع کاملاً مخدوش است، چراکه اولاً در بررسی‌های انجام شده، چنین سخنی از عبدالباقی بن قانع در نفی فرزند و نسل امام حسن عسکری (ع) نقل نشده است؛ ثانیاً بر فرض صحت چنین سخنی از عبدالباقی، سخن عبدالباقی به دو دلیل تاریخی و رجالی سزاوار اعتماد نیست.

دلیل تاریخی: ولادت عبدالباقی بن قانع در سال ۲۵۶ ه.ق.، یک سال بعد از ولادت حضرت مهدی (ع) بوده است. چگونه می‌تواند از تداوم نیافتن نسل امام حسن عسکری (ع) خبر دهد؟!

دلیل رجالی: وثاقت و جایگاه عبدالباقی نزد رجالیان اهل سنت محل اختلاف شدید است. با اینکه برخی او را توثیق و برخی دیگر او را تضعیف کرده‌اند ولی اجماع اهل سنت بر بی‌اعتباری احادیث و سخنان عبدالقانع است. خطیب بغدادی ضمن توثیق عبدالقانع، به تغییر وی در حفظ احادیث، در آخر عمر عبدالقانع اشاره می‌کند (خطیب بغدادی، بی تا: ۸۹/۱۱، ش ۵۷۷۵). دارقطنی می‌گوید عبدالقانع، حافظ و عالم است ولی در نقل اشتباه می‌کند و بر اشتباهش اصرار می‌ورزد! (همان). همچنین، برقانی ضمن اشاره به توثیق عبدالقانع نزد اهل حدیث بغداد، وی را تضعیف کرده، احادیثش را نامقبول و مُنکَر توصیف می‌کند (همان). ابن جوزی حنبلی، با تکیه بر سخن دارقطنی، اسم عبدالقانع را در اسامی راویان ضعیف ثبت می‌کند (ابن جوزی، بی تا: ۸۲/۲، ش ۱۸۱۰)، حال آنکه ذهبی

با تفکیک بین جایگاه روایی و روایات عبدالقانع، وی را از لحاظ جایگاه روایی، امام، حافظ و صدوق توصیف کرده ولی روایاتش را به دلیل اختلال حواس در اواخر عمرش، بی اعتبار معرفی می‌کند. (ذهبی، بی تا: ۵۳۲/۲ و ۵۳۳، ش ۴۷۳۵؛ همو، ۱۴۱۸: ۵۸۳/۱، ش ۳۴۵۴؛ همو، ۱۴۱۷: ۵۲۶/۱۵ و ۵۲۷). اما ابن حجر عسقلانی بدون تفکیک بین جایگاه روایی و روایات عبدالقانع، وی و روایاتش را تضعیف کرده و او را به دلایلی مانند «منکر الحدیث» بودن، «اهل رأی» بودن، «اشتباهات فاحش در نقل حدیث و اصرار بر نقل آن»، «اختلال حواس در نقل حدیث»، و حتی «دروغ‌گویی و جعل حدیث» تضعیف کرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶: ۴۴۰/۳ و ۴۴۱، ش ۴۹۴۲).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، هر که به ولادت حضرت مهدی (ع) اذعان کند، موضوع مهدویت شخصی را پذیرفته و فارغ از تنش‌های مذهبی، گریزی غیر از پذیرش وجود تاریخی حضرت مهدی (ع) نخواهد داشت، و چون هیچ دلیل در خور اعتنایی بر رحلت حضرت مهدی (ع) وجود ندارد، می‌توان رویکرد موافقان حداقلی، و موافقان حداکثری مذهبی را همانند موافقان حداکثری فرامذهبی، جزء موافقان مهدویت شخصی دانست. لذا نه تنها اجماعی بر نفی وجود تاریخی حضرت مهدی (ع) در میان اهل سنت وجود ندارد، بلکه زمینه پذیرش مهدویت شخصی و تطبیق روایات مهدویت بر حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع)، نزد اکثریت اهل سنت وجود دارد، به ویژه اینکه گروهی از آنان نیز، تلویحاً یا تصریحاً، ولادت و حتی زنده بودن حضرت مهدی (ع) را پذیرفته‌اند. راجع به ادعای رویکرد مخالفان حداقلی و حداکثری ولادت و غیبت نیز می‌توان گفت رویکرد مخالفان، از لحاظ قائل در اقلیت، و از لحاظ منطق، کاملاً سست و غیرعلمی است.

منابع

- ابن اثیر جَزْرِي، عَزَّ الدین علی بن ابی کرم (۱۴۰۸). الکامل فی التاریخ، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى.
- ابن اثیر جَزْرِي، عَزَّ الدین علی بن ابی کرم (بی تا). اللُّباب فی تهذیب الأنساب، بیروت: دار صادر.
- ابن الوَرْدِي، زین الدین عمر بن مظفر (۱۳۸۹). تنمة المُختصر فی أخبار البشر، معروف به تاریخ ابن الوردی، نجف: المطبعة الحیدریة، الطبعة الثانية.
- ابن تَغْرِي اتابکی، یوسف بن تَغْرِي (۱۴۱۳). النُّجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۳۶۸). رأس الحسین، تحقیق: محمد حامد التقی، قاهره: مطبعة السُّنَّة المحمديَّة.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۴). منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة، تحقیق: محمد رشاد سالم، بیروت: مؤسسة الریان، الطبعة السادسة.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۳۲). جامع الرسائل، تحقیق: محمد عَزْزیر شمس، مکه: دار عالم الفوائد، الطبعة الثالثة.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن (۱۴۱۵). المُنتظم فی تواریخ المُلوک والأُمم، تحقیق: سُهیل زَکَّار، بیروت: دار الفکر.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن (بی تا). کتاب الضعفاء والمتروکین، تحقیق: ابو الفداء عبد الله قاضی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۴۱۶). لسان المیزان، تحقیق: شیخ عادل احمد عبد الموجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا). جَمهرة أنساب العرب، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قاهره: دار المعارف، الطبعة السادسة.

- ابن خَلَّکان، ابو العباس احمد بن محمد (۱۳۹۸). وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن صَبَّاح، علی بن محمد بن احمد (۱۴۳۲). الفُصُولُ المُهَمَّةُ فی معرفة الأئمة، تحقیق: شیخ سامی العُزَیری، قم: دار الحدیث، الطبعة الثالثة.
- ابن طولون دمشقی، شمس الدین محمد (بی تا). الأئمة الإثنا عشر، قم: منشورات الرضی.
- ابن عماد، ابوالفلاح عبدالحی بن عماد (۱۴۱۴). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت: دار الفکر.
- ابو الفداء، عماد الدین اسماعیل بن علی (۱۴۱۷). المُختصر فی أخبار البشر، معروف به تاریخ ابوالفداء، تحقیق: محمود دیوب، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- افندی، قاضی بهجت (۱۳۷۶). تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، ترجمه: میرزا مهدی ادیب، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، چاپ دوم.
- پوریدخشان، محمد علی (۱۳۸۸). مهدویت و دانشمندان عامه، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی بیان معرفت، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷). دانش نامه جهان اسلام، زیر نظر: غلام علی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸). معجم أحادیث الإمام المهدی، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، مسجد جمکران المقدس، الطبعة الثانية.
- شاکری زوردهی، روح الله؛ دوست محمدی، میثم (۱۳۹۸). «بررسی و نقد دیدگاه طاهرین عاشور در مسئله مهدویت با تأکید بر منابع اهل سنت»، در: انتظار موعود، ش ۶۷، ص ۵۱-۷۲.
- شاکری زوردهی، روح الله؛ و دیگران (۱۳۹۹). «گونه شناسی بسترهای پیدایش رویکرد انکار مهدویت در اهل سنت»، در: انتظار موعود، ش ۷۱، ص ۲۵-۵۰.
- جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۰). فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطين والأئمة من ذریتهم، بیروت: مؤسسة المحمودی، الطبعة الاولى.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله (۱۴۰۲). كشف الظنون عن أسامی الكُتُب والفُتُون، بیروت: دار الفکر.

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۴۳

- حسینی جلالی، محمد جواد (۱۴۱۳). أحادیث المهدي من مُسند أحمد بن حنبل، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة السادسة.
- خطیب بغدادی، ابو بکر احمد بن علی (بی تا). تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خنجی اصفهانی، فضل بن روزبهان (۱۳۷۵). وسیلة الخادم الی المنخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، تصحیح: رسول جعفریان، قم: انصاریان، چاپ اول.
- خواجه محمد پارسا (۱۳۸۱). فصل الخطاب لوصول الاحباب، تصحیح: جلیل مسگرنژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، قم: کتاب فروشی ختّام، چاپ دوم.
- دیار بکری، حسین بن محمد بن حسن (۲۰۰۹). تاریخ الخَمیس فی أحوال أنفس نفیس، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد (۱۴۲۷). دُول الإسلام، تحقیق: حسن اسماعیل مزّوة و محمود الأرنؤوط، بیروت: دار صادر، الطبعة الثانية.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (بی تا). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الفکر.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۴). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الاولى.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۷). سیر أعلام النبلاء، تحقیق: شعیب أرنؤوط و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۸). المغنی فی الضعفاء، تحقیق: ابو الزهراء حازم القاضي، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (بی تا). العَبْر فی خبر مَنْ عَبَّر، تحقیق: ابو هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- زركلى، خير الدين (٢٠٠٧). الأعلام، دمشق: دار الملايين.
- سبط بن جوزى، يوسف بن قزغلى (١٤٢٦). تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الائمة، تحقيق: حسين تقى زاده، قم: مركز الطباعة والنشر للمجمع العالمى لأهل البيت، الطبعة الاولى.
- سبط بن جوزى، يوسف بن قزغلى (١٤٣٤). مرآة الزمان فى تواريخ الزمان، تحقيق: محمد بركات، كامل خزاط، عمار ريحاوى، دمشق: الرسالة العالمية، الطبعة الاولى.
- سمعانى، ابو سعد عبد الكريم بن محمد بن منصور (١٤٠٨). الأنساب، تحقيق: عبد الله عمر بارودى، بيروت: دار الكُتب العلمية، الطبعة الاولى.
- شبراوى، شيخ عبد الله بن محمد بن عامر (١٤٢٣). الإتحاف بحبّ الأشراف، تحقيق: شيخ سامى الغريرى، قم: دار الكتاب الإسلامى.
- شبلنجى، شيخ مؤمن بن حسن بن مؤمن (١٤١٨). نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبى المختار، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- صفدى، صلاح الدين ابو الصفاء خليل بن ايبك (١٤١١). الوافى بالوفيات، آلمان: بى نا، چاپ دوم.
- فخر رازى، محمد بن عمر (١٤١٩). الشجرة المباركة فى أنساب الطالبية، تحقيق: سيد مهدى رجائى، قم: مكتبة سماحة آية الله العظمى المرعشى النجفى، الطبعة الثانية.
- فقيه ايمانى، شيخ مهدى (١٤١٨). الإمام المهدى عند أهل السنة، قم: المجمع العالمى لأهل البيت، الطبعة الثانية.
- قُرطبى، عريب بن سعد (١٨٩٧). صلة تاريخ الطبرى، ليدن المكروسة: مطبعة بريل.
- قَرمانى دمشقى، احمد بن يوسف (١٤١٢). أخبار الدُول و آثار الأول، تحقيق: فَهْمى سعد و أحمد حُطيط، بيروت: عالم الكُتب، الطبعة الاولى.
- قندوزى، سيد سليمان بن ابراهيم (١٤٢٢). ينابيع المودة لذوى القربى، قم: دار الاسوة، الطبعة الثانية.
- گنجى، محمد بن يوسف (١٣٩٩). البيان فى أخبار صاحب الزمان (ع)، تحقيق: شيخ محمد مهدى خرسان، بيروت: مؤسسة الهادى للمطبوعات، الطبعة الاولى.

گونه شناسی رویکردهای اهل سنت درباره ولادت و غیبت امام زمان (ع) با تأکید بر نقد رویکرد مخالفان ولادت و غیبت / ۳۴۵

- محبى، محمد امين بن فضل الله (۱۴۲۷). خلاصة الأثر فى أعيان القرن الحادى عشر، تحقيق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- محمد بن طلحه (۱۴۲۰). مطالب السئول فى مناقب آل الرسول، تحقيق: سامى الغريرى، قم: مؤسسة الكتب الإسلامى، الطبعة الاولى.
- مسعودى، ابو الحسن على بن حسين (بى تا). مُروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق: مفيد محمد قُميحه، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- المقرئ تلمسانى، احمد بن محمد (۱۳۸۸). نفع الطيب من غصن الأندلس الرطيب، تحقيق: احسان عباس، بيروت: بى نا، الطبعة الاولى.
- موصلى، عمر بن شجاع الدين بن محمد بن عبد الواحد (۱۴۳۰). التَّعِيم المُقِيم لعترة النبأ العظيم، تحقيق: شيخ سامى غريرى، قم: مؤسسة دار الكتاب الإسلامى، الطبعة الاولى.
- يافعى، ابو محمد عبد الله بن اسعد (۱۴۱۷). مرآة الجنان و عبرة اليقظان فى معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- ياقوت حَموى، ياقوت بن عبد الله (۱۳۹۹). مُعجم البُلدان، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

References

- A Group of Authors. 1998. Daneshnameh Jahan Islam (Islamic World Encyclopedia), Supervised by Gholam Ali Haddad Adel, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation, First Edition. [in Farsi]
- A Group of Authors. 2007. Mojam Ahadith al-Imam al-Mahdi (An Anthology of Imam Mahdi's Hadiths), Qom: Islamic Knowledge Foundation, Jamkaran Holy Mosque, Second Edition. [in Arabic]
- Abu al-Feda, Emad al-Din Ismail ibn Ali. 1996. Al-Mokhtasar fi Akhbar al-Bashar, Maruf be Tarikh Ibn al-Wardi (Brief in Human News, Known as Ibn al-Wardi's History), Researched by Mahmud Dayyub, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Afandi, Ghazi Bahjat. 1997. Tashrih wa Mohakemeh dar Tarikh Al Mohammad (Descrip-

- tion and Trial in the History of Mohammad's Family), Translated by Mirza Mahdi Adib, Tehran: Bethat Foundation Publishing Center, Second Edition. [in Farsi]
- Al-Maghari Telmesani, Ahmad ibn Mohammad. 1968. Nafh al-Tib men Ghosn al-Andolos al-Ratib (Fragrance from the Moist Branch of Andalusia), Researched by Ehsan Abbas, Beirut: n.pub. First Edition. [in Arabic]
 - Deyar Bakri, Hosayn ibn Mohammad ibn Hasan. 2009. Tarikh al-Khamis fi Ahwal Anfos Nafis, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
 - Faghih Imani, Sheikh Mahdi. 1997. Al-Imam al-Mahdi end Ahl al-Sannah (Imam Mahdi among the Sunnis), Qom: The World Assembly of Ahl al-Bayt, Second Edition. [in Arabic]
 - Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1998. Al-Shajarah al-Mobarakah fi Ansab al-Talebiyah (The Blessed Tree in the Genealogy of Al Abi Talib's Family), Researched by Seyyed Mahdi Rajayi, Qom: Great Ayatollah Marashi Najafi Library, Second Edition. [in Arabic]
 - Ganji, Mohammad ibn Yusof. 1978. Al-Bayan fi Akhbar Saheb al-Zaman (AS) (Description of the Narrations on the Master of Time), Researched by Sheikh Mohammad Mahdi Khersan, Beirut: Al-Hadi Publications Corporation, First Edition. [in Arabic]
 - Gharamani Demashghi, Ahmad ibn Yusof. 1991. Akhbar al-Dowal wa Athar al-Awwal (News of the States and the Works of the First), Researched by Fahmi Sad & Ahmad Hotayt, Beirut: Book World, First Edition. [in Arabic]
 - Ghonduzi, Seyyed Solayman ibn Ibrahim. 2001. Yanabi al-Mawaddah le Zawi al-Ghorba (Springs of Affection for Relatives), Qom: House of Oswah, Second Edition. [in Arabic]
 - Ghortobi, Arib ibn Sad. 1897. Selah Tarikh al-Tabari, Leiden: Brill Press. [in Arabic]
 - Haji Khalifah, Mostafa ibn Abdollah. 1981. Kashf al-Zonun an Asami al-Kotob wa al-Fonun (Clearing Ambiguities about the Names of Books and Techniques), Beirut: Thought House. [in Arabic]
 - Hoseyni Jalali, Mohammad Jawad. 1992. Ahadith al-Mahdi men Mosnad Ahmad ibn Hanbal (Hadiths of Mahdi from Ahmad ibn Hanbal's Mosnad), Qom: Islamic Publishing Corporation, Sixth Edition. [in Arabic]
 - Ibn al-Wardi, Zayn al-Din Omar ibn Mozaffar. 1969. Tatemmah al-Mokhtasar fi Akhbar al-Bashar, Maruf be Tarikh Ibn al-Wardi (Addendums to al-Mokhtasar fi Akhbar al-Bashr, Known as Ibn al-Wardi's History), Najaf: Al-Haydariyah Press, Second Edition. [in Arabic]

- Ibn Athir Jazari, Ezz al-Din Ali ibn Abi al-Karam. 1987. Al-Kamel fi al-Tarikh (The Completion of History), Researched by Ali Shiri, Beirut: Arab Heritage Revival House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Athir Jazari, Ezz al-Din Ali ibn Abi al-Karam. n.d. Al-Lobab fi Tahzib al-Ansab, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Ibn Emad, Abu al-Falah Abd al-Hay ibn Emad. 1993. Shazarat al-Zahab fi Akhbar Man Zahab (Nuggets of Gold in the News of Those Who Have Gone), Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Shahab al-Din Ahmad ibn Ali. 1995. Lesan al-Mizan, Researched by Sheikh Adel Ahmad Abd al-Mawjud & Sheikh Ali Mohammad Moawwaz, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Hazm Andelosi, Ali ibn Ahmad. n.d. Jamharah Ansab al-Arab (Genealogy of the Arabs), Researched by Abd al-Salaam Mohammad Harun, Cairo: Knowledge House, Sixth Edition. [in Arabic]
- Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman. 1994. Al-Montazam fi Tarikh al-Moluk wa al-Omam (Anthology of the History of Nations and Kings), Researched by Sohayl Zakkar, Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman. n.d. Kitab al-Zoafa wa al-Matrukin (The Book of the Weak and Abandoned), Researched by Abu al-Feda Abdollah Ghazi, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Khallakan, Abu al-Abbas Ahmad ibn Mohammad. 1977. Wafayat al-Ayan wa Anba Abna al-Zaman (Deaths of Eminent Men and History of the Sons of the Epoch), Researched by Ehsan Abbas, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Ibn Sabbagh, Ali ibn Mohammad ibn Ahmad. 2010. Al-Fosul al-Mohemmah fi Marefah al-Aemmah (Important Chapters on Knowing Imams), Researched by Sheikh Sami al-Ghorayri, Qom: Al-Hadith House, Third Edition. [in Arabic]
- Ibn Taghri Atabaki, Yusof ibn Taghri. 1992. Al-Nojum al-Zaherah fi Moluk Mesr wa al-Ghaherah (The Shining Stars in the Kingdom of Egypt and Cairo), Researched by Mohammad Hosayn Shams al-Din, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1948. Ras al-Hosayn (Hosayn's Head), Researched by Mohammad Hamed al-Taghi, Cairo: Sunnah Mohammadi Press. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2003. Menhaj al-Sannah al-Nabawiyah fi

Naghz Kalam al-Shiah al-Ghadariyah (The Method of the Prophetic Tradition in Refuting the Words of the Qadarite Shiites), Researched by: Mohammad Rashad Salem, Beirut: Al-Rayyan Institute, Sixth Edition. [in Arabic]

- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2010. Jame al-Rasael (A Treatise Compendium), Researched by Mohammad ozayr Shams, Mecca: World of Benefits, Third Edition. [in Arabic]
- Ibn Tulun Demashghi, Shams al-Din Mohammad. n.d. Al-Aemmah al-Ethna Ashar (The Twelve Imams), Qom: Al-Razi Publications. [in Arabic]
- Jowayni, Ibrahim ibn Mohammad. 1979. Faraed al-Semtayn fi Fazael al-Mortaza wa al-Batul wa al-Sebtayn wa al-Aemmah men Zorriyatehem, Beirut: Mahmudi Press, First Edition. [in Arabic]
- Khajeh Mohammad Parsa. 2002. Fasl al-Khetab le Wasl al-Ahbab (Decisive Word for the Link of Friends), Edited by Jalil Mesgarnejad, Tehran: University Publication Center, First Edition. [in Arabic]
- Khandemir, Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din. 1974. Tarikh Habib al-Seyr fi Akhbar Afrad Bashar, Qom: Khayyam Bookstore, Second Edition. [in Arabic]
- Khanji Isfahani, Fazl ibn Ruzbahan. 1996. Wasilah al-Khadem ela al-Makhdum dar Sharh Salawat Chahardah Masum (The Servant's Tool to Serve the Master in the Explanation of the Fourteen Infallibles' Prayers), Edited by Rasul Jafariyan, Qom: Ansariyan, First Edition. [in Arabic]
- Khatib Baghdadi, Abubakr Ahmad ibn Ali. n.d. Tarikh Baghdad (History of Baghdad), Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Masudi, Abu al-Hasan Ali ibn Hosayn. n.d. Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawhar (Meadows of Gold and Mines of Gems), Researched by Mofid Mohammad Ghomayhah, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Mawseli, Omar ibn Shoja al-Din ibn Mohammad ibn Abd al-Wahed. 2008. Al-Naim al-Moghim le Etrah al-Naba al-Azim (The Resident Bliss for the Family of the Great News), Researched by Sheikh Sami Ghariri, Qom: Islamic Books Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Mohammad ibn Talhah. 1999. Mataleb al-Saul fi Managheb Al al-Rasul (The Questioner's Contents on the Virtues of the Prophet's Family), Researched by Sami al-Ghariri, Qom: Islamic Books Institute, First Edition. [in Arabic]

- Mohebbi, Mohammad Amin ibn Fazlollah. 2006. Kholasah al-Athar fi Ayan al-Gharn al-Hadi Ashar (A Summary of the Notables of the Eleventh Century), Researched by Mohammad Hasan Mohammad Hasan Ismail, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Purbadakhshan, Mohammad Ali. 2009. Mahdawiyat wa Daneshmandan Ammeh (Mahdavitism and Sunni Scholars), Qom: Bayan Marefat Educational Research Institute, First Edition. [in Farsi]
- Safadi, Salah al-Din Abu al-Safa Khalil ibn Aybak. 1990. Al-Wafi be al-Wafayat, German: n.pub, Second Edition. [in Arabic]
- Samani, Abu Sad Abd al-Karim ibn Mohammad ibn Mansur. 1987. Al-Ansab (Genealogy), Researched by Abdollah Omar Barudi, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Sebt ibn Jawzi, Yusof ibn Ghozghali. 2005. Tazkerah al-Khawas men al-Ommah be Zekr Khasaes al-Aemmah (Reminding the Elite of the Nation by Mentioning the Characteristics of the Imams), Researched by Hoseyn Taghizadeh, Qom: Printing and Publishing Center of the Ahl al-Bayt World Assembly, First Edition. [in Arabic]
- Sebt ibn Jawzi, Yusof ibn Ghozghali. 2012. Merat al-Zaman fi Tawarikh al-Zaman (The Mirror of Time in the History of Time), Researched by Mohammad Barakat, Kamel Kharat, Ammar Reyhawi, Damascus: Global Treatise, First Edition. [in Arabic]
- Shablanji, Sheikh Momen ibn Hasan ibn Momen. 1997. Nur al-Absar fi Managheb Al Bayt al-Nabi al-Mokhtar (Light of Visions in the Virtues of the Family of the Chosen Prophet), Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Shabrawi, Sheikh Abdollah ibn Mohammad ibn Amer. 2002. Al-Ethaf be Hob al-Ashraf (Dedication with the Love of Nobles), Researched by Sheikh Sami al-Ghariri, Qom: Islamic Book House. [in Arabic]
- Shakeri Zawwardehi, Ruhollah; Dušt Mohammadi, Meytham. 2019. "Barresi wa Naghd Didgah Taher ibn Ashur dar Masaleh Mahdawiyat ba Takid bar Manabe Ahl Sonnat (Taher ibn Ashur's Point of View on the Issue of Mahdism with Emphasis on Sunni Sources: Review and Criticism)", in: Awaiting the Promised, no. 67, pp. 51-72. [in Farsi]
- Shakeri Zawwardehi, Ruhollah; et al. 2020. "Gunehshenasi Beštar-hay Peydayesh Ruykard Enkar Mahdawiyat dar Ahl Sonnat (Typology of the Origins of the Emergence of Approach of Denying Mahdism in Sunnis)", in: Awaiting the Promised, no. 71, pp. 25-50. [in Farsi]

- Yafei, Abu Mohammad Abdollah ibn Asad. 1996. Merat al-Jenan wa Abrah al-Yaghzan fi Marefah Ma Yotabar men Hawadeth al-Zaman (The Mirror of the Heavens and the Lesson of Vigilance in Knowing what Is Considered the Events of Time), Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Yaghut Hamawi, Yaghut ibn Abdollah. 1978. Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries), Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Abu Abdollah Mohammad ibn Ahmad. 2006. Dowal al-Islam (Islamic Countries), Researched by Hasan Ismail Mazwah & Mahmud al-Arnaut, Beirut: Sader House, Second Edition. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. 1993. Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-Alam (The History of Islam and the Deaths of Figures and Luminaries), Researched by Omar Abd al-Salam Tadmori, Beirut: Arabic Book Institute, First Edition. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. 1996. Seyr Alam al-Nobala (Lives of the Noble Figures), Researched by Shoayb Arnaut & Mohammad Naim Arghasusi, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. 1997. Al-Moghni fi al-Zoafa (The Enricher of Unreliable Transmitters), Researched by Abu al-Zahra Hazem al-Ghazi, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. n.d. Al-Ebar fi Khabar Man Ghabar (Lessons in the News of the Deceased), Researched by Abu Hajar Mohammad al-Said ibn Besyuni Zaghlul, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. n.d. Mizan al-Etedal fi Naghd al-Rejal (Balance of Moderation in Criticism of Men), Researched by Ali Mohammad Bajawi, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]
- Zarakli, Khayr al-Din. 2007. Al-Alam (Luminaries), Damascus: House of Millions. [in Arabic]